

(مجموعه تاریخ جهان - ۶۹)

جنبش زنان در آمریکا

دان فاردو

ترجمه مهدی حقیقت خواه



Nardo, Don

سرشناسه: ناردو، دان، ۱۹۴۷-م.

عنوان و نام پدیدآور: جنبش زنان در آمریکا/ دان ناردو؛ ترجمه مهدی حقیقت‌خواه.

مشخصات نشر: تهران: ققنوس، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۱۱۵ ص: مصور.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۷۸-۲۷۵-۵

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: The women's movement, 2011.

یادداشت: نمایه.

موضوع: فمینیسم - ایالات متحده

موضوع: حقوق زن - ایالات متحده

موضوع: زنان - ایالات متحده - انتخابات

شناسه افزوده: حقیقت‌خواه، مهدی، ۱۳۲۶-، مترجم

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۵ ج ۲ ن ۱۴۱۰/ HQ

رده‌بندی دیویی: ۳۰۵/۴۲۰۹۷۳

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۴۲۲۱۴۵۶

این کتاب ترجمه‌ای است از:

The Women's Movement

Don Nardo

Lucent Books, 2011



انتشارات قنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهیدای ژاندارمری،

شماره ۱۱۱، تلفن ۶۶۰۰۶۴۰

ویرایش، آماده‌سازی و امروزی‌سازی:

تحریریه انتشارات قنوس

دان ناردو

جنبش زنان در آمریکا

ترجمه مهدی حقیقت‌خواه

چاپ اول

۱۵۰۰ نسخه

زمستان ۱۳۹۵

چاپ شمشاد

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۵ - ۲۷۵ - ۲۷۸ - ۶۰۰ - ۹۷۸

ISBN: 978 - 600 - 278 - 275 - 5

www.qoqnoos.ir

Printed in Iran

۱۲۰۰۰ تومان

فهرست

۶.....	یادادهای مهم در تاریخ جنبش زنان در آمریکا.....
۹.....	پیشگفتار: تلاش در راه رؤیای آمریکایی.....
۱۵.....	۱. زنونِ سوارِ نخستین زنان آمریکایی.....
۲۹.....	۲. زنانِ مدرن: چگونه سازمان یافتند.....
۴۳.....	۳. راه دراز به سوی جنسیتِ رأی.....
۶۱.....	۴. پیدایش زنِ اجتماعی جدید.....
۷۷.....	۵. خواستِ فزایندهٔ برابری جنسیتی.....
۹۳.....	۶. تلاشِ پیگیر برای منزلت اجتماعی و حقوق.....
۱۰۵.....	یادداشت‌ها.....
۱۰۹.....	برای مطالعهٔ بیشتر.....
۱۱۱.....	نمایه.....

تلاش در راه رؤیای آمریکایی

زنان آمریکایی، از زمان اقامت‌گزینی اروپاییان در آمریکای شمالی در سده هفدهم تاکنون، دگرگونی‌های شگفت‌انگیزی را پشت سر گذاشته‌اند. آن‌ها از جایگاه شهروندان درجه دوم تقریباً فاقد هرگونه حقوق سیاسی یا اجتماعی، به لحاظ قانونی به برابری تقریبی با مردان ارتقا یافته‌اند. پیشروی آهسته آهسته آن‌ها به سوی برابری را غالباً «جنبش زنان» می‌نامند. این اصطلاح، همراه با روش‌ها، پژوهش‌های رسمی درباره تاریخ و پیشرفت اجتماعی زنان، همگی پدیده‌های نسبتاً جدیدی هستند. مواقع، تنها ظرف پنجاه سال اخیر است که خواندن کتابی نظیر این درباره جنبش زنان حتماً امکانپذیر شده است. پیش از آن تقریباً هیچ کتاب یا مقاله‌ای وجود نداشت که به بازگویی تلاش‌ها و دستاوردهای زنان آمریکایی به مثابه یک طبقه اجتماعی پرداخته باشد.

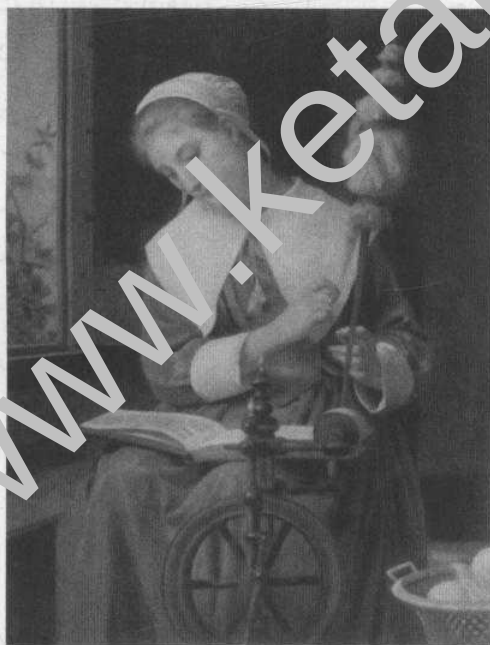
این نابرابری شدید هنگامی فهم‌پذیرتر می‌شود که گاهی اجمالی به تحول آموزش زنان آمریکایی بیندازیم. نبود آگاهی سامانمند و به‌آسان در دسترس درباره تاریخ زنان به مدت بیش از دو سده نشانه و مصداق فرصت‌های ناکافی آموزشی برای زنان بود. در واقع، زنان هنگامی آموزش‌هایی همانند آموزش مردان دریافت کردند، پژوهش نظام‌یافته تاریخ زنان آغاز شد.

آموزش اولیه زنان

در آمریکای مهاجرنشین در آغاز آموزش چندانی برای زنان جوان وجود نداشت، مگر آنچه آنان در خانه از پدر و مادرشان می‌آموختند. معمولاً مادر به دخترش آشپزی، ریسندگی و بافندگی، خیاطی و آمادگی انجام دادن دیگر «وظایف سنتی زنان» را می‌آموخت. افزون بر آن، تعداد کمی از دختران مهاجرنشین از این نعمت برخوردار می‌شدند که والدینشان به آن‌ها خواندن و نوشتن یاد دهند. با این حال، زنان باسواد معمولاً کمتر فرصت می‌یافتند که

از این مهارت‌ها استفاده کنند، چرا که جامعه نمی‌پسندید که زنان جلوی دیگران، از جمله با خواندن و نوشتن، اظهار وجود کنند. وضعیت آموزش زنان، بجز چند مورد استثنایی جزئی به مدت تقریباً دو سده به همین گونه باقی ماند.

سرانجام در سده نوزدهم فرصت‌ها برای آموزش زنان، هرچند بسیار آهسته، رو به افزایش گذاشت. نخستین مدرسه دولتی دختران در سال ۱۸۲۴ در ووستر ماساچوست گشایش یافت. در آنجا، و در مدارس مشابهی که در ایالت‌های دیگر پدیدار شدند، دانش‌آموزان مهارت‌های پایه خواندن، نوشتن و حساب را می‌آموختند. با افزایش تعداد مدارس ابتدایی، تقاضا برای مدارس آموزش عالی برای دختران افزایش یافت. در پاسخ به این تقاضا، در سال ۱۸۳۷ کالج اوبرلین در اوهایو نخستین نهاد آموزش عالی در کشور بود که هم پسران و هم دختران را پذیرفت.



در دوره مهاجرنشینی، فرصت‌های آموزشی برای دختران جوان به ندرت از حد کارهای شاق خانه‌داری، از جمله آشپزی و ریسندگی و بافندگی، فراتر می‌رفت. اندک بودند دخترانی که خواندن و نوشتن یاد می‌گرفتند.

اما، در ابتدا، در چنین کالج‌هایی دوره‌های آموزشی‌ای که به دختران اختصاص می‌یافت کوتاه‌تر و ساده‌تر از دوره‌هایی بود که برای پسران در نظر گرفته می‌شد. سبب آن از یک

طرف این عقیده رایج بود که مغز زنان به اندازه مغز مردان توانایی پذیرش و جذب دانش زیاد را ندارد. از طرف دیگر، مدیران و آموزگاران در اوایلین و مدارس مشابه انتظار یا تمایل نداشتند که فارغ التحصیلان دختر به دنبال آن نوع مشاغل پُرهیاهویی بروند که به طور سنتی به مردان اختصاص داشت. رابرت اس. فیلچر، دانش‌پژوه، شرح می‌دهد که برخی مردان در مورد آموزش زنان چه احساسی داشتند:

اگر زنان وکیل، وزیر، پزشک، مدرس، سیاستمدار، یا هر «شخصیت اجتماعی» دیگری می‌شدند، کارخانه به دست فراموشی سپرده می‌شد: ... شستن لباس‌های مردان، سر و سامان دادن به اتاقشان، پذیرایی از آن‌ها سر میز غذا، گوش دادن به سخنان آن‌ها، در حالی که خودشان [یعنی زنان] در گردهمایی‌های عمومی مؤذبانۀ ساکت بمانند. «دختران دانش‌آموز» کاج‌ها، ریلین باید برای ایفای نقش مادری هوشمند و همسری کاملاً خدمتگزار و فرمانبردار آمادگی پیدا می‌کردند.^(۱)

این نگرش تحقیرآمیز زنان را جایگاه اجتماعی‌شان در اواخر سده نوزدهم و اوایل سده بیستم آهسته اما پیوسته تغییر کرد. آن زمان، به طور فزاینده‌ای، پسندیده تلقی می‌شد که برخی زنان به کارهایی چون آموزش، سرپرستی یا مددکاری اجتماعی بپردازند. این امر به آن‌ها اجازه داد که برای خود در بازار کار جای باز کنند. همچنین باعث ایجاد مدارس بیشتری برای دختران یا برای دختران و پسران شد. در اوایل سده بیستم تقریباً ۷۰ درصد کالج‌ها و دانشگاه‌ها مختلط بودند و حدود ۳۰ درصد دانشجویانشان را دختران تشکیل می‌دادند. افزون بر آن، دختران شروع به گذراندن دوران دوره‌هایی کردند که پسران می‌گذراندند.

با وجود این، این مؤسسات باز هم با به کارگیری نظام سهمیه‌بندی برای حق دختران تبعیض قائل می‌شدند. چنان‌که یک کارشناس امروزی شرح می‌دهد:

در سرتاسر آموزش عالی، نظام سهمیه‌بندی دسترسی دختران را محدود می‌کرد. بر اساس نظام سهمیه‌بندی [دانشگاه] استنفورد، در برابر هر دختر سه پسر پذیرفته می‌شدند. تاریخچه آموزش عالی از کاربرد سهمیه‌بندی‌های دیگر نیز حکایت دارد. طی سال‌های زیادی برای یهودیان سهمیه‌بندی وجود داشت. دختران یهودی دست‌کم با یک مانع دوگانه مواجه بودند: جنسیت و مذهب. این در مورد دختران سفیدپوست طبقه کارگر نیز صادق بود که نه تنها به سبب جنسیت و فقر، بلکه در مواردی به دلیل کاتولیک بودن نیز محدود می‌شدند. حتی هنگامی که دانشگاه‌های معتبر خصوصی پسرانه درهای خود را به روی دختران گشودند، باز هم نظام سهمیه‌بندی در پذیرش برقرار شد.^(۲)